



## هکتیویسم به مثابه کنش سیاسی

اعظم مقدس<sup>۱</sup>

۲۹

### چکیده

هدف این مقاله بررسی ماهیت رخنه کنشگری یا هکتیویسم است. پدیده‌ای که با ترکیبی از کنشگری سیاسی و تکنیک های هک رایانه‌ای، از فناوری و ابزارهای دیجیتال برای به چالش کشیدن اقتدار، حمایت از تغییرات اجتماعی و برهم زدن ساختارهای سستی قدرت استفاده می‌کند و به ابزار مهمی برای تاثیرگذاری بر سیاست تبدیل شده است. از مسیر مطالعه اسنادی و با تحلیلی توصیفی تبیینی، این نوشتار، به چستی هکتیویسم، اهداف و فنون مورد استفاده، نسبت آن با اشکال دیگر کنش سیاسی اجتماعی مثل جنبش‌های اجتماعی و نافرمانی مدنی و تاثیر آن بر سیاست می‌پردازد. اگر چه آینده هکتیویسم تحت تاثیر پیشرفت‌های تکنولوژیکی، چارچوب‌های قانونی، نگرش‌های اجتماعی و پویایی‌های ژئوپلیتیکی نامشخص و در حال تحول است به نظر می‌رسد بی توجهی به نارضایتی‌های اجتماعی سیاسی و نادیده گرفتن اعتراضات و معترضین، مسدود ساختن فضا و مجرای انتقاد و مطالبه قانونی، حذف فرصت و امکان کنشگری اجتماعی سیاسی متعارف و نیز اعمال سیاست‌های محدودیت ساز (سانسور و فیلترینگ) در بستر اینترنت، بروز این شکل از کنشگری سیاسی را افزایش خواهد داد.

**کلیدواژه‌ها:** هکتیویسم یا رخنه کنشگری، اعتراض سیاسی، کنش سیاسی، جنبش اجتماعی جدید، نافرمانی مدنی.

دوره ۸، شماره ۲، پیاپی ۲۹  
تابستان ۱۴۰۳

مقاله علمی

تاریخ دریافت:  
۱۴۰۲/۱۲/۱۹

تاریخ پذیرش:  
۱۴۰۳/۰۳/۰۲  
صص: ۶۳-۹۰

شاپا چاپی: ۴۵۶۵-۲۵۸۸  
الکترونیکی: ۰۳۸۱-۲۷۱۷



Q4

## مقدمه

عرصه‌های مختلف حیات جوامع در عصر حاضر، متأثر از فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) به طور پیوسته در حال تغییر و تحول بوده و هستند. کنش سیاسی و اجتماعی و اشکال گوناگون مشارکت سیاسی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و سیمای تازه‌ای پیدا کرده است. از نمودهای آشکار چنین تحولی، انتقال بخشی از کنش‌های سیاسی از نهادها و صحنه خیابان‌ها به بستر اینترنت و فضای مجازی است. افزون بر این کنشگران در پرتو امکانات و تسهیلات فراهم آمده از سوی پیشرفت‌های این مجموعه از فناوری‌ها، به ابزارها و تکنیک‌های جدید برای تاثیرگذاری بر تصمیمات و فرایندهای سیاسی اجتماعی جوامع و تعقیب اهداف و منافع خود دست یافته‌اند. رخنه‌کنشگری یا هکتیویسم مثال‌گویایی برای این تحول تاکتیکی است که با استفاده از قدرت فناوری، و پرورش شیوه‌های جدید کنش‌گرایی در عصر دیجیتال، اشکال کنش سیاسی را دگرگون کرده است.

هکتیویسم بستر فعالیت کنشگران آنلاینی است که از رسانه‌های اجتماعی برای انتشار یک واژه یا خلق یک جنبش استفاده می‌کنند، هر چند هکرهایی نیز وجود دارند که به طمع پول یا فقط برای سرگرمی حملات سایبری را هدایت می‌کنند، حتی دولت‌ها و بازیگران مستقل نیز ممکن است در این مجموعه قرار بگیرند (Gareeva, et al. 2020). با این حال آنچه در اینجا اهمیت دارد و به آن پرداخته می‌شود نوع اول است، یعنی کنشی که به دنبال تغییر در سیاست یا اعتراض به شکل اجرا و اداره‌ی آن است. در واقع هکتیویسم را می‌توان به عنوان شکلی از مشارکت سیاسی در نظر گرفت که از قدرت فناوری برای مشارکت در فعالیت، ترویج تغییرات اجتماعی و به چالش کشیدن هنجارهای تثبیت شده استفاده می‌کند. در حالی که هکتیویسم پدیده‌ای مناقشه‌آمیز و اغلب از نظر قانونی بحث‌برانگیز است، نقش قابل توجهی در شکل دادن به مناظرات سیاسی معاصر و گسترش مرزهای تعامل سیاسی در عصر دیجیتال ایفا کرده است (Farmer, 2022: 72).

فضای مجازی مشتمل بر بازیگران گوناگون و اجتماعات متعدد جدید است که کاربر اینترنت بودن، ویژگی مشترک تمام آنهاست. در این میان رخنه‌کنشگری که نتیجه رشد کنش‌هاک کردن بوده است به شکل متفاوتی از اینترنت و امکانات آن استفاده می‌کند. به عنوان مدلی از اعتراض

سیاسی، هکتیویسم در انکا به پلتفرم های دیجیتال و توانایی اش در دستیابی سریع به مخاطبان جهانی، با اشکال سنتی کنش گرایی متفاوت است. اقدامات هکتیویستی اغلب غیرمتمرکز هستند و افراد یا گروه ها به صورت ناشناس عمل می کنند و به صورت آنلاین برای انجام حملات سایبری یا کمپین های اطلاعاتی هماهنگ می شوند. هکرها همواره به آشکار سازی ماهیت رایانه و فناوری های شبکه اهتمام داشته و اطمینان می دهند که محدودیت ها و قابلیت های اینگونه از فناوری ها را درک می کنند. آنها همچنین در تلاش هستند اطمینان دهند که می توانند هر محدودیتی را تغییر داده و اصلاح کنند. باور هکرها این است که اطلاعات باید آزادانه برای همه در دسترس باشد و اینترنت و کامپیوتر مهمترین ابزارهایی هستند که برای تضمین دسترسی آزاد و ایمن به اطلاعات، به بشریت عرضه شده است (Jordan, 2007: 74).

## ۱- ادبیات پژوهش

### ۱-۱. رخنه کنشگری چیست؟

همچون بسیاری از مفاهیم در علوم اجتماعی و سیاسی، تعریف دقیق و مورد اجماع و توافقی از رخنه کنشگری یا هکتیویسم وجود ندارد. طیفی گسترده ای از تعاریف، آن را به عنوان یک نهاد یا یک تاکتیک در نظر گرفته اند و عناصر و ویژگی های متفاوتی برای آن برشمرده اند. برای مثال روماننا، سه عنصر کلیدی را در مطالعات موجود درباره رخنه کنشگری شناسایی کرده است که عبارتند از: نخست، نیاز به حمایت یک ایدئولوژی یا انگیزه ای که در منازعات سیاسی اجتماعی ریشه دارد؛ دوم: اینترنت به عنوان زیرساخت لازمی که فعالیت را ممکن می سازد و نیز هدف حمل است و در نهایت، تمایل هر گروه یا فرد واحد برای پیشبرد دستورکاری سیاسی اجتماعی که باید به تغییر در جامعه یا حفظ وضع موجود منجر شود (Romagna, 2019: 748).

تعاریف موجود از رخنه کنشگری گاهی آن را «استفاده غیر خشونت آمیز از ابزارهای دیجیتال غیرقانونی یا ابزارهای مبهم به لحاظ قانونی، برای تعقیب اهداف سیاسی» (Samuel, 2004) دانسته اند و گاهی «ترکیبی از اعتراضات سیاسی عمومی با هک کامپیوتری» (Jordan and Taylor, 2004)، آمیزه ای از سیاست های عصیانگرانه ی نافرمانی مدنی و فناوری ها و فنون

هکرهای رایانه‌ای (Sauter, 2014)، همچنین کنش آنلاین با انگیزه‌ی سیاسی به شکل رویدادی منفرد یا پویشی درباره آن که از سوی بازیگران غیردولتی برای بیان ناخشنودی و مخالفت یا جلب توجه در خصوص موضوعی که فعالان از آن حمایت می‌کنند (Vegh, 2003)، صورت می‌گیرد. به طور کلی می‌توان رخنه کنشگری را « ترویج دستورکاری سیاسی اجتماعی دانست که معمولاً به ایدئولوژی‌های کنشگری سنتی و معمول مرتبط است (اما به آن محدود نیست) و از طریق فعالیت جمعی و فردی، با استفاده از فنون هک رایانه‌ای غیرقانونی یا قانونی مبهم، در فضای سایبر به کار گرفته می‌شود تا بدون خشونت فیزیکی و بدون حصول منافع اقتصادی مستقیم، از ویژگی‌های فنی زیرساخت‌های فناوری ارتباطات و اطلاعات بهره برداری کند یا مانع استفاده از آن شود و آن را مختل سازد (Romagna, 2019).

#### ۲-۱. هک و هکتیویسم (رخنه کنشگری)

تمایز میان رخنه کنشگری و هک به طور کلی، موضوع دیگری است که در برخی آثار به آن توجه شده است. از این منظر، اگر چه رفتارهای بنیادی در هر دو پدیده مشابه است، انگیزه‌های نهایی دو عمل، متفاوت است. هک اغلب با منافع هکر مرتبط است و اهداف مخرب دارد در حالی که رخنه کنشگری برای دستیابی به یک هدف سیاسی یا اجتماعی انجام می‌شود و ارتباطات را هدف خود می‌داند (Hampson, 2012). می‌توان چنین گفت که هک معمولاً شامل استفاده از مهارت‌های فنی برای دسترسی غیرمجاز به یک سیستم یا شبکه برای نفع شخصی، کنجکاوی، چالش یا سرگرمی است و هکتیویسم در مقابل توسط انگیزه‌های سیاسی هدایت می‌شود، و کنشگران در آن به دنبال پیشبرد تغییرات اجتماعی یا سیاسی از طریق اقدامات خود هستند.

علاوه بر این، هک کردن عموماً یک فعالیت غیرقانونی تلقی می‌شود، در حالی که هکتیویسم از نظر قانونی منطقه خاکستری را اشغال می‌کند. برخی از اشکال هکتیویسم، مانند حملات انکار سرویس توزیع شده (DDoS)، در بسیاری از حوزه‌های قضایی به صراحت به عنوان جرایم طبقه بندی می‌شوند. با این حال، سایر اشکال هکتیویسم، مانند انتشار اسناد محرمانه برای روشن کردن فساد یا نقض حقوق بشر، ممکن است به عنوان گفتار محافظت شده تحت قوانین آزادی بیان تلقی شود.

هم هک و هم هکتیویسم ممکن است شامل روش‌های فنی مشابهی مانند بهره‌برداری از آسیب‌پذیری‌ها، شکستن پسوردها یا استفاده از بدافزار باشد. با این حال، هکتیویست‌ها تمایل دارند روی تکنیک‌های خاصی که برای دستیابی به اهداف سیاسی طراحی شده‌اند، تمرکز کنند، مانند مخدوش کردن وب‌سایت‌ها، سرقت داده‌های حساس، یا غیرفعال کردن موقت خدمات آنلاین. همچنین در حالی که هکرها معمولاً اهداف خود را بر اساس علایق یا چالش‌های شخصی انتخاب می‌کنند، بدون اینکه لزوماً پیامدهای اخلاقی اقدامات خود را در نظر بگیرند، هکتیویست‌ها اهداف خود را به دقت انتخاب می‌کنند تا تأثیر نمادین یا عملی اقدامات خود را به حداکثر برسانند و بر موسسات یا نهادهای مرتبط با سیاست‌ها یا شیوه‌های بحث برانگیز تمرکز کنند. افزون بر این، هکتیویست‌ها اغلب تلاش می‌کنند تا پیام‌ها و مقاصد خود را به مخاطبان گسترده‌ای منتقل کنند، از پوشش رسانه‌ای، شبکه‌های اجتماعی یا وب‌سایت‌های اختصاصی برای انتشار اطلاعات و جلب حمایت استفاده می‌کنند اما هکرها به ندرت عموم مردم را مستقیماً درگیر می‌کنند و در عوض ترجیح می‌دهند به صورت مخفیانه یا ناشناس عمل کنند (Karagiannopoulos, 2020).

### ۳-۱. هکتیویسم و نافرمانی مدنی

هکتیویسم را می‌توان نوعی نافرمانی مدنی نیز به شمار آورد. نافرمانی مدنی نوعی اعتراض غیرخشونت‌آمیز است که در آن افراد عمداً قوانین یا مقررات را زیر پا می‌گذارند تا اعمال یا سیاست‌های ناعادلانه را به چالش بکشند. نافرمانی مدنی دیجیتال این مفهوم را به قلمرو آنلاین گسترش می‌دهد، جایی که افراد ممکن است در فعالیت‌های هک برای برهم زدن یا اعتراض به بی‌عدالتی‌های درک شده شرکت کنند. مقصود هکتیویست‌ها نیز آن است که با هدف قرار دادن سازمان‌های دولتی، شرکت‌ها یا سایر نهادها، افشای تخلفات، ترویج شفافیت و پاسخگویی نهادهای قدرتمند در قبال اقدامات خود را موجب شوند (Zuger, 2021:362). نافرمانی مدنی و هکتیویسم شامل شکستن هنجارهای اجتماعی و به چالش کشیدن ساختارهای قدرت مستقر است. فعالان در هر دو حوزه با درگیر شدن در اعمال سرپیچی، نافرمانی یا اختلال، به دنبال جلب توجه به موضوعاتی هستند که ممکن است نادیده گرفته شوند.

افزون بر این، ملاحظات قانونی و اخلاقی گریبانگیر هر دو نوع کنش است، نافرمانی مدنی و هکتیویسم با سؤالاتی در مورد قانونی بودن و اخلاقی بودن اعمال خود رو به رو هستند. فعالان در هر دو حوزه باید با عواقب اقدامات خود، از جمله پیامدهای قانونی احتمالی، معضلات اخلاقی، و ملاحظات خسارت جانبی دست و پنجه نرم کنند.

هکتیویسم بعد دیجیتالی به نافرمانی مدنی می‌دهد و از فناوری و پلتفرم‌های آنلاین برای تقویت پیام‌ها، اختلال در سیستم‌ها و شرکت در اقدامات مقاومتی استفاده می‌کند. این جنبه دیجیتالی، هکتیویسم را از اشکال سنتی نافرمانی مدنی متمایز می‌کند، اما اصول اساسی یکسانی دارد.

در حالی که نافرمانی مدنی و هکتیویسم دارای ویژگی‌ها و رویکردهای متمایزی هستند، اما اهداف مشترکی در به چالش کشیدن قدرت، ترویج تغییرات اجتماعی و حمایت از عدالت دارند. رابطه بین این اشکال کنشگری در تعهد مشترک آنها به کنشگری، مقاومت، و حمایت از یک هدف است، البته از طریق ابزارها و زمینه‌های مختلف (Scheuerman 2018: 126-130).

#### ۴-۱. هکتیویسم به مثابه جنبش اجتماعی جدید

جنبش‌های اجتماعی جدید به طیف متنوعی از اقدامات و کمپین‌های جمعی اطلاق می‌شود که در دهه‌های اخیر برای پرداختن به مسائل مختلف اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی ظهور کرده‌اند. این جنبش‌ها با تمرکز بر هویت، ارزش‌های فرهنگی و کیفیت زندگی و همچنین استفاده از تاکتیک‌های نوآورانه مانند رسانه‌های اجتماعی و ساختارهای غیر سلسله‌مراتبی مشخص می‌شوند. جنبش‌های اجتماعی جدید اغلب ساختارهای قدرت موجود را به چالش می‌کشند و از طریق بسیج مردمی و حمایت از تغییرات اجتماعی فعالیت می‌کنند (ن. ک به نش، ۱۳۹۴: ۱۶۳؛ رهبری، ۱۳۹۳: ۲۴۹).

هکتیویسم را می‌توان شکلی از جنبش‌های اجتماعی جدید دانست که از فناوری و پلتفرم‌های دیجیتال برای حمایت از تغییرات اجتماعی یا سیاسی استفاده می‌کنند. با ترکیب تکنیک‌های هک با کنش‌گری، هدف هکتیویست‌ها، افزایش آگاهی، به چالش کشیدن ساختارهای قدرت و ترویج اهداف آنها در حوزه دیجیتال است. مانند سایر جنبش‌های اجتماعی، هکتیویسم از احساس نارضایتی از وضعیت موجود و میل به ایجاد آینده‌ای بهتر سرچشمه می‌گیرد. با این

حال، برخلاف جنبش‌های اجتماعی سنتی، هکتیویسم برای دستیابی به اهداف خود به شدت به فناوری‌های دیجیتال متکی است.

گسترش رسانه‌ها در قرن بیستم، شامل تلویزیون، پیام‌های الکترونیکی، افکارسنجی، اینترنت، تلفن‌های همراه و... فرصت‌های بی سابقه‌ای در اختیار جنبش‌های اجتماعی قرار داده‌اند. نوآوری‌های فنی در دسترس فعالان جنبش‌های اجتماعی قرار گرفته‌اند و با افزایش گستره‌ی جغرافیایی ارتباطات جنبش‌های اجتماعی، هزینه‌های ارتباطات را کاهش دادند. به واسطه‌ی این فناوری‌ها، پیوندهای محکمی میان شرکت‌کنندگان در جنبش‌های اجتماعی و دیگر کاربران همان فناوری‌ها به وجود آمده است (رهبری، ۱۳۹۳: ۲۴۹). لانس بنت معتقد است رسانه‌های دیجیتال شبکه‌هایی ایجاد کرده‌اند که به جای شبکه‌های نسبتاً متراکم مربوط به جنبش‌های گذشته قرار گرفته و هماهنگی و ارتباط میان فعالان جنبش را ممکن می‌کند و همچنین تاثیر ایدئولوژی بر فعالیت شخصی در جنبش را کاهش می‌دهد. رسانه‌های جدید امتیازات راهبردی را برای جنبش‌های اجتماعی که منابع اندک دارند افزایش داده و امکان خلق پویای دائمی و فراگیر در سطح جهان را فراهم ساخته‌اند (لانس بنت به نقل از رهبری، ۱۳۹۳: ۲۵۰).

این امتیازات راهبردی به پتانسیل فناوری‌های جدید در بسیج، هماهنگی، مستندسازی، تقویت و حفاظت کنشگران جنبش‌های اجتماعی مربوط می‌شود. فناوری اطلاعات و ارتباطات سازمان‌دهندگان را قادر می‌سازد تا به سرعت ارتباط برقرار کرده و حامیان را برای اعتراضات و تظاهرات بسیج کنند. پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی مانند توئیتر، فیس‌بوک و اینستاگرام به کاربران این امکان را می‌دهند که به سرعت اخبار مربوط به رویدادهای آینده را منتشر و حمایت جمع‌آوری کنند. معترضان می‌توانند به‌طور هم‌زمان با یکدیگر ارتباط داشته و به‌روزرسانی‌های مربوط به تحرکات پلیس، بسته شدن جاده‌ها و سایر اطلاعات مرتبط را ارسال کنند.

معترضان با استفاده از فناوری‌های جدی توانسته‌اند تجربیات خود را مستند کرده و با جهان به اشتراک بگذارند. گوشی‌های هوشمند مجهز به دوربین و ضبط‌کننده ویدیو به معترضان اجازه می‌دهد از خشونت یا سایر سوء استفاده‌های پلیس تصویربرداری کنند. این اسناد می‌تواند به

عنوان مدرک در پرونده های قضایی، نقض حقوق بشر را افشا و افکار عمومی را تحریک کند (Herawati et al. 2021:460- 461).

کنشگران جنبش های اعتراضی با فناوری های جدید صدای خود را تقویت کرده و به مخاطبان بیشتری دست یابند. پلتفرم های رسانه های اجتماعی، وبلاگ ها و وبسایت ها، امکان انتشار بیانیه ها و اشتراک گذاری فیلم ها و تصاویر را فراهم کرده اند. این تقویت می تواند دید اعتراض را افزایش دهد و حمایت گسترده تری را به خود جلب کند. کنشگران جنبش های اجتماعی به مدد ارتباطات جدید، با جنبش ها و اهداف دیگر همبستگی می یابند. پلتفرم های رسانه های اجتماعی، فهرست های ایمیل و تالارهای گفتگو، به فعالان امکان برقراری ارتباط را با افراد و سازمان های همفکر، تبادل ایده ها و استراتژی ها و ارائه حمایت متقابل داده و با کمک به معترضان در اجتناب از موقعیت های خطرناک و ایمن ماندن، از آنها محافظت کرده است. وبسایت ها و اپلیکیشن های تلفن همراه می توانند به معترضان در مورد دستگیری های قریب الوقوع هشدار دهند و راهنمایی هایی در مورد حقوق و رویه های قانونی ارائه کنند.

عناصری که رخنه کنشگری را در قالب جنبش های اجتماعی قرار می دهد، می توان به صورت ذیل بیان کرد:

**الف. ماهیت جمعی کنش:** هکتیویسم شامل کنش جمعی است، افراد گرد هم می آیند تا یک هدف مشترک را دنبال کنند. اعضای گروه های هکتیویست برای توسعه استراتژی ها، اجرای عملیات و تأمل در مورد موفقیت ها و شکست های خود با یکدیگر همکاری می کنند. این اعضا از مجموعه ای مهارت های فنی و تخصصی برخوردار هستند.

**ب. وجود ارزش های مشترک:** مجموعه ای از ارزش های مشترک، مانند آزادی اطلاعات، شفافیت و دموکراسی، هکتیویسم را هدایت می کند. این ارزش ها، اهداف گروه را شکل می دهند و راهنمای فعالیت آن هستند.

**ج. تاکتیک های مخرب:** هکتیویسم از تاکتیک های مخرب مانند حملات انکار سرویس و نقض داده ها برای جلب توجه به مسائل اجتماعی و سیاسی استفاده می کند. هدف این تاکتیک ها برهم زدن روال عادی امور و ایجاد فضایی برای گفتگو و تأمل است.

د. **مهارت های فنی:** هکتیویسم به مهارت های فنی مانند برنامه نویسی، شبکه سازی و رمزنگاری نیاز دارد. این مهارت ها برای پیمایش در مرزهای پیچیده دیجیتالی که گروه های هکتیویست در آن فعالیت می کنند، ضروری هستند.

ه. **ضد فرهنگ:** هکتیویسم با ضد فرهنگ مرتبط است، رخنه کنشگران، هنجارها و ارزش های جریان اصلی را رد می کنند خودمختاری و بیان خود را در اولویت قرار می دهند و خلاقیت و نوآوری را جشن می گیرند.

ز. **دسترسی جهانی:** هکتیویسم از مرزهای ملی فراتر می رود و افراد و گروه ها را از نقاط مختلف جهان به هم متصل می کند. این دسترسی جهانی هکتیویست ها را قادر می سازد تا اقدامات را هماهنگ کنند، دانش را به اشتراک بگذارند و در زمینه های مختلف اتحاد ایجاد کنند.

ح. **تأثیر سیاسی:** هکتیویسم تأثیرات سیاسی قابل توجهی داشته است، از افشای برنامه های نظارتی دولت تا مجبور کردن شرکت ها به اتخاذ شیوه های تجاری شفاف تر. مداخلات هکتیویستی به شکل دادن به گفتمان عمومی، به چالش کشیدن ساختارهای قدرت مستقر و پرورش فرهنگ مقاومت کمک کرده است.

ط. **مباحثات های اخلاقی:** هکتیویسم بحث های اخلاقی را در رابطه با مشروعیت تاکتیک های مخرب و پیامدهای مداخله در سیستم های پیچیده اجتماعی فنی مطرح می کند. استدلال منتقدان این است که هکتیویسم حقوق فردی را نقض و زیرساخت ها را بی ثبات می کند و کلیشه های مضر را تداوم بخشد و حامیان ادعا می کنند که هکتیویسم شکلی معتبر از بیان سیاسی و پاسخی ضروری به قدرت رو به رشد نهادهای دولتی و شرکتی است. البته باید در نظر داشت که در کنار شباهت های هکتیویسم با جنبش های اجتماعی، تفاوت هایی نیاز میان آنها وجود دارد:

- **تفاوت در تاکتیک و ابزار:** هکتیویسم در درجه اول به ابزارها و تکنیک های دیجیتالی مانند هک، حملات DDoS و نقض داده ها برای دستیابی به اهداف خود متکی است. در مقابل، جنبش های اجتماعی جدید اغلب طیفی از تاکتیک ها را به کار می گیرند، از جمله اعتراضات، کمپین های حمایتی، سازمان دهی جامعه، و نافرمانی مدنی، چه آنلاین و چه آفلاین.

- **ناشناس بودن و دیده شدن:** هکتیویسم اغلب با ناشناس بودن و رازداری همراه است، زیرا هکتیویست ها ممکن است تحت نام مستعار فعالیت کنند و هویت خود را برای جلوگیری از شناسایی پنهان کنند. از سوی دیگر، جنبش‌های اجتماعی جدید اغلب دیده شدن و مشارکت عمومی را برای افزایش آگاهی، جذب حامیان و بسیج کنش جمعی در اولویت قرار می‌دهند.
- **ملاحظات قانونی و اخلاقی:** هکتیویسم به دلیل استفاده از تکنیک‌های هک و حملات سایبری که ممکن است ناقض قوانین مربوط به امنیت سایبری، حریم خصوصی داده‌ها و مالکیت معنوی باشد، معضلات پیچیده حقوقی و اخلاقی ایجاد می‌کند. جنبش‌های اجتماعی جدید، در عین حال که با چالش‌های قانونی نیز مواجه هستند، معمولاً در چارچوب‌های قانونی و هنجارهای نافرمانی مدنی تثبیت شده عمل می‌کنند.
- **ساختار سازمانی:** هکتیویسم ساختار سازمانی سیال و غیرمتمرکزتری دارد و افراد یا گروه‌های کوچک در اقدامات یا کمپین‌های خاص با یکدیگر همکاری می‌کنند. جنبش‌های اجتماعی جدید ممکن است ساختارها، نقش‌های رهبری و اهداف بلندمدت رسمی‌تری داشته باشند که بازتاب پایگاه گسترده‌تر و متنوع‌تری از شرکت‌کنندگان است.
- **تمرکز و اهداف:** هکتیویسم اغلب بر مسائل مربوط به فناوری، آزادی اطلاعات، سانسور آنلاین و امنیت سایبری متمرکز است و از ابزارهای دیجیتال برای به چالش کشیدن قدرت و اختلال در سیستم‌ها استفاده می‌کند. جنبش‌های اجتماعی جدید به طیف وسیعی از مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از جمله حقوق بشر، عدالت زیست محیطی، برابری جنسیتی، برابری نژادی و نابرابری اقتصادی می‌پردازند.
- در مجموع، در حالی که هم هکتیویسم و هم جنبش‌های اجتماعی جدید، اشکالی از کنش‌گرایی هستند که به دنبال تغییرات اجتماعی هستند و ساختارهای قدرت را به چالش می‌کشند، اما در تاکتیک‌ها، دیده شدن، ملاحظات قانونی، ساختارهای سازمانی و حوزه‌های تمرکز متفاوت هستند. درک این تفاوت‌ها می‌تواند به زمینه‌سازی و تحلیل استراتژی‌ها و تأثیرات متنوع کنش‌گرایی معاصر کمک کند.

## ۲. چشم اندازی نظری به رخنه کنشگری

رخنه کنشگری طیف گسترده ای از تاکتیک ها، اهداف و ایدئولوژی ها را در بر می گیرد بنابراین به سختی می توان مدل نظری مشخصی برای تبیین آن تعیین کرد. افزون بر این ماهیت پنهان، ابهام آمیز و غیر قانونی کنشگران در این پدیده، بر فضای نظری در این خصوص سایه افکنده و از اولین آثار درباره هک و هکتیویسم (Levy, 1984; Turkle, 1984) تا تفسیرهای جدیدتر از گروه های هکتیویستی مثل گروه «بی نام» (Coleman, 2013; Wesch, 2012)، از توضیح اینکه هکتیویسم دقیقاً چه چیزی است فاصله دارند و بیشتر بر پرسش های اساسی در مورد چگونگی، چرا، کجا و چه کسی، با توجه به عناصر مختلف این پدیده تمرکز کرده اند (knight, 2016:72) به عبارت دیگر هیچ نظریه سیاسی واحدی وجود ندارد که هکتیویسم را به طور کامل توضیح دهد، با این حال نظریات مختلف سیاسی، جامعه شناسی سیاسی، ارتباطات و روانشناسی سیاسی، چارچوب های مفیدی برای درک انگیزه ها و استراتژی های گروه های هکتیویست و همچنین تأثیر آن ها بر سیاست و جامعه به طور گسترده تر ارائه می کنند.

آنچه در مرور غالب آثار موجود درباره هکتیویسم مشاهده می شود، تلقی رخنه کنشگری به عنوان شکلی از جنبش اجتماعی است که برای دستیابی به اهداف خود، از فناوری های جدید استفاده می کند. در این صورت، ادبیات نظری قابل استفاده در تحلیل این پدیده، همانطور که دیانی آدر مقاله «مفهوم جنبش اجتماعی» (۱۹۹۱)، آورده است با چهار رویکرد اصلی در دسترس خواهد بود. طبق دسته بندی دیانی، دیدگاه های موجود درباره جنبش های اجتماعی از دهه ۱۹۶۰ عبارتند از: دیدگاه های «رفتار جمعی» (که عمدتاً به رالف ترنر و لوئیس کیلیان نسبت داده می شود)، «نظریه بسیج منابع» (RMT) (مایر زالد و جان مک کارتی)، دیدگاه «فرایند سیاسی»<sup>۷</sup>

- 
1. Anonymous
  - ۲ Diani
  3. "Collective Behavior"
  4. Ralph Turner and Lewis Killian
  5. Resource Mobilization Theory
  6. Mayer Zald and John McCarthy
  7. Political Process

(چارلز تیلی).<sup>۱</sup> و در نهایت «جنبش های اجتماعی جدید» (NSMs)<sup>۲</sup> (آلن تورین و آلبرتو ملوچی).<sup>۳</sup>

### ۱-۲. نظریه رفتار جمعی

مانند سایر جنبش های اجتماعی، هکتیویسم از احساس نارضایتی از وضعیت موجود و میل به ایجاد آینده ای بهتر سرچشمه می گیرد. با این حال، برخلاف جنبش های اجتماعی سنتی، هکتیویسم برای دستیابی به اهداف خود به شدت به فناوری های دیجیتال متکی است. تئوری رفتار جمعی می تواند هکتیویسم را با تمرکز بر چگونگی گرد هم آمدن افراد به شیوه ای خودجوش و بدون ساختار برای مشارکت در فعالیت های آنلاین از طریق هک و سایر اشکال اختلال دیجیتال توضیح دهد.

بر اساس این نظریه، هکتیویسم به عنوان شکلی از رفتار جمعی در نظر گرفته می شود که زمانی پدیدار می شود که افراد شکایت یا هدف مشترکی داشته باشند و از پلتفرم های دیجیتال برای هماهنگ کردن اقدامات خود استفاده کنند. این افراد ممکن است یک سازمان یا ساختار رهبری رسمی نداشته باشند، اما با یک هدف مشترک و تمایل به ایجاد تغییر از طریق فعالیت های آنلاین خود متحد می شوند. این تئوری همچنین بر نقش هنجارهای اجتماعی، نفوذ همتایان و پویایی گروهی در شکل دهی رفتار هکتیویستی تأکید می کند. افرادی که در هکتیویسم شرکت می کنند ممکن است تحت تأثیر اقدامات دیگران در جامعه آنلاین خود قرار گیرند، که منجر به یک اثر گلوله برفی می شود که در آن افراد بیشتر و بیشتری به کنش جمعی می پیوندند) (Burkart and Mc Court, 2019).

به طور کلی، تئوری رفتار جمعی به توضیح این که چگونه هکتیویسم می تواند به طور خود به خود ایجاد شود و به سرعت از طریق شبکه های آنلاین گسترش یابد، کمک می کند و نقش هویت مشترک، نفوذ اجتماعی و هماهنگی غیرمتمرکز را در شکل دادن به این شکل از کنشگری برجسته می کند.

1. Charles Tilly
2. New Social Movements
3. Alain Touraine and Alberto Melucci

## ۲-۲. تئوری بسیج منابع

تئوری بسیج منابع نیز می‌تواند بینش‌هایی در مورد چگونگی عملکرد هکتیویسم به عنوان شکلی از کنش سیاسی ارائه دهد. بر اساس این نظریه، جنبش‌های اجتماعی از طریق استفاده استراتژیک از منابع، از جمله حمایت مالی، مهارت‌ها، دانش و فناوری پدید می‌آیند و تداوم می‌یابند. هدف هکتیویست‌ها با استفاده از این منابع، مختل کردن یا افشای عملیات اهداف خود، افزایش آگاهی عمومی در مورد مسائل خاص و در نهایت ایجاد تغییر است. این نظریه چندین ویژگی کلیدی جنبش‌های اجتماعی موفق را برجسته می‌کند که بسیاری از آنها در مورد هکتیویسم کاربرد دارند. اولاً، هکتیویست‌ها باید شبکه‌ها و ائتلاف‌های قوی با افراد و گروه‌های همفکر خود ایجاد کنند تا آنها را قادر به اشتراک‌گذاری اطلاعات، هماهنگ کردن اقدامات و تقویت پیام خود کنند. ثانیاً، هکتیویست‌ها باید استراتژی‌های مؤثری را برای کسب و استقرار منابع ایجاد کنند، چه از طریق کمپین‌های سرمایه‌گذاری جمعی، کمک‌های مالی، یا طرح‌های خود تأمین مالی. ثالثاً، هکتیویست‌ها باید سطحی از سازماندهی و انضباط داخلی را حفظ کنند تا اطمینان حاصل شود که فعالیت‌های آنها متمرکز و همسو با اهداف گسترده‌تر خود باقی می‌ماند.

البته باید اشاره کرد زالد و مک کارتی که به نظریه بسیج منابع توسعه بیشتری دادند، عموماً بر نقش پول یا به عبارت دیگر افزایش عمومی سطح ثروت جوامع توسعه یافته در توسعه فعالیت جنبش‌های اجتماعی اشاره می‌کنند. به نظر آنها افزایش ثروت طبقه متوسط که قادر و مایل به فراهم کردن چنین منابعی هستند اهمیت دارد (نش، ۱۳۹۳: ۱۵۱). به عبارت دیگر منابع مالی در فراهم ساختن امکان کنش جمعی در قالب جنبش اهمیت زیادی دارد و هکتیویسم نیز برای در اختیار گرفتن نیروی حرفه‌ای، امکانات فنی و کادر تخصصی، وابسته به منابع مالی است اگر چه فعالیت کنشگران در چنین حرکتی ضرورتاً منافع مادی نیست.

## ۲-۳. نظریه فرایند سیاسی و ساختار فرصت

چارلز تیلی، ظهور جنبش‌های اجتماعی را نتیجه افزایش دسترسی مردم به فرایند سیاسی (حداقل از لحاظ اصولی) می‌داند، جنبش‌ها در جایی که ببینند دسترسی راحتی به نهادهای دولتی دارند احتمالاً تظلم خود را به آنجا می‌برند ولی وقتی چنین امکانی وجود ندارد، به ابزار دیگری متوسل می‌شوند. در واقع تیلی به جای تمرکز بر سازمان رسمی جنبش‌های اجتماعی و توجه به

سازمان‌های حرفه‌ای به عنوان شرط ضروری بسیج جنبش اجتماعی، توجه خود را به توسعه مقاومت در محیط‌های توده‌ای معطوف می‌کند (نش، ۱۳۹۳: ۱۵۱-۱۵۲).

نظریه فرآیند سیاسی هکتیویسم را نوعی مشارکت و اعتراض سیاسی می‌داند که در پاسخ به بی‌عدالتی‌ها یا نابرابری‌های درک شده در جامعه به وجود می‌آید و آن را با تمرکز بر زمینه سیاسی گسترده‌تری که رخنه‌کنشگری در آن رخ می‌دهد، تبیین می‌کند. این نظریه بر نقش نهادهای سیاسی، پویایی قدرت و جنبش‌های اجتماعی در شکل‌گیری، ظهور و تأثیر هکتیویسم تأکید دارد و به این می‌پردازد که چگونه محیط اجتماعی و سیاسی فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را برای کنش جمعی فراهم می‌کند.

ساختار فرصت‌ها در محیط ممکن است احتمال رخنه‌کنشگری را افزایش دهد. فرصت در مدل کنش جمعی و بسیج سیاسی مورد نظر تیلی ناظر به رابطه‌ی میان منافع جمعیت و وضعیت جهان اطراف است. هر قدر معادلات محیطی به گونه‌ای باشد که با منابع کمتری بتوان به منافع بیشتری دسترسی داشت، آنگاه فرصت فراهم شده است. به بیان او، «ستیز برای کسب قدرت همیشه دربردارنده‌ی حداقل دو طرف است، رفتار طرف دوم دامنه‌ای را از سرکوب تا تسهیل در بر می‌گیرد. سرکوب، هر گونه کنشی توسط گروه دیگر است که هزینه کنش جمعی مدعی را افزایش می‌دهد. کنشی که هزینه کنش جمعی یک گروه را کاهش دهد، شکلی از تسهیل است (رهبری، ۱۳۹۳: ۲۰۴). ساختار فرصت برای هکتیویسم را می‌توان در محورهای زیر دسته‌بندی کرد:

۱. پیشرفت‌های تکنولوژیکی: دسترسی فزاینده به ابزارهای دیجیتال و پلتفرم‌های آنلاین، موانع فعالیت‌های هکتیویستی را کاهش داده است. این چشم‌انداز فناوری فرصت‌هایی را برای هکتیویست‌ها فراهم می‌کند تا اقدامات خود را هماهنگ کنند، پیام خود را منتقل کنند و حملات سایبری را انجام دهند.

۲. نارضایتی‌های سیاسی: هکتیویسم اغلب در پاسخ به نارضایتی‌های سیاسی یا اجتماعی، مانند سانسور دولت، تخلفات شرکتی، یا نقض حقوق بشر ظاهر می‌شود. وقتی افراد این بی‌عدالتی‌ها را درک می‌کنند و انگیزه لازم برای اقدام را پیدا می‌کنند، ساختار فرصت برای هکتیویسم افزایش می‌یابد.

۳. **کنشگری شبکه ای:** ماهیت به هم پیوسته جوامع آنلاین و شبکه های اجتماعی، محیط مساعدی را برای هکتیویست ها برای بسیج و همکاری فراهم می کند. این شبکه ها گسترش اطلاعات، استخدام شرکت کنندگان جدید و هماهنگی اقدامات جمعی را تسهیل می کنند.

۴. **چارچوب های قانونی و نظارتی:** وجود قوانین ملایم یا مبهم مرتبط با فعالیت های سایبری می تواند فرصت هایی را برای هکتیویست ها ایجاد کند تا با مصونیت نسبی فعالیت کنند. در مقابل، مقررات سختگیرانه و اقدامات قوی اجرای قانون، ممکن است فعالیت های هکتیویستی را محدود کند.

به این ترتیب هکتیویست ها زمانی که متوجه شوند فرصت های فراوانی برای انجام فعالیت وجود دارد، مانند تدابیر امنیتی ضعیف در وبسایت ها یا شبکه های هدف، یا ابزارهای آسان برای انجام حملات، ممکن است بیشتر درگیر رخنه کنشگری شوند. در عین حال، اگر معتقد باشند که خطرات اقدام، از مزایای بالقوه آن بیشتر است، مانند مواجهه با عواقب قانونی شدید یا آسیب به شهرت، احتمالاً از درگیر شدن در برخی رفتارها منصرف خواهند شد.

در مجموع ساختار فرصت ها نشان می دهد که تغییرات در محیط اجتماعی و فناوری می تواند بر شیوع و ماهیت فعالیت های هکتیویستی تأثیر بگذارد. برای مثال، فناوری ها یا آسیب پذیری های جدید ممکن است همچون فرصتی نو برای هکتیویست ها باشد، در حالی که افزایش آگاهی و تلاش ها برای مقابله با تهدیدات امنیت سایبری، تعداد اهداف قابل دسترس را برای رخنه کنشگران کاهش می دهد.

#### ۲-۴. نظریه جنبش های اجتماعی جدید

نظریه جنبش اجتماعی جدید (NSM) چارچوبی برای درک جنبش های اجتماعی معاصر ارائه می دهد که بر اساس سیاست های هویتی، مسائل فرهنگی و اشکال جدید کنشگری هستند. به نظر می رسد می توان هکتیویسم را، که شامل استفاده از تکنیک های هک برای اهداف اجتماعی یا سیاسی است، می تواند از دریچه نظریه جنبش اجتماعی جدید تحلیل کرد. کاستلز مدعی است مشارکت در جنبش اجتماعی شامل درگیر شدن در کنشی جمعی خارج از مجاری تعیین شده برای تغییر قوانین است. کسانی که درگیر هکتیویسم هستند آشکارا در کنش جمعی به

#### 1. Castells

منظور تغییر قوانین مشخص، مشارکت دارند. براین اساس هکتیویسم را باید نوعی جنبش اجتماعی در نظر گرفت.

کاستلز می‌نویسد: «جنبش‌ها جهانی هستند زیرا در سراسر جهان به هم متصلند، از تجارب دیگران می‌آموزند و این تجربه‌ها برایشان در بسیج خود، الهام بخش خواهد بود» (Castells, 2012: 250). هکتیویست‌ها از تمام دنیا هستند اما به طور خاص از اینترنت برای اهداف ایدئولوژیک و اعتراضی خود استفاده می‌کنند. آنها یک آگاهی تیزهوشانه و حساس از مسائل و موضوعات درهم پیچیده برای بشریت را بیان می‌کنند و در حالی که ریشه در هویت خاص خودشان دارند، آشکارا فرهنگی جهانی را به نمایش می‌گذارند (Farmer, 2022: 214).

یکی از راه‌های ارتباط NSM با هکتیویسم این است که بینیم چگونه گروه‌های هکتیویست اغلب حول هویت‌ها یا باورهای مشترک، مشابه جنبش‌های اجتماعی سنتی، شکل می‌گیرند. برای مثال، گروه‌هایی مانند Anonymous یا LuzSec که به عنوان گروه‌های هکتیویستی ظهور کرده‌اند یک ایدئولوژی یا هدف مشترک دارند، مانند ترویج آزادی بیان یا به چالش کشیدن نظارت دولتی.

بسیاری از محققین بر این باورند که جنبش اجتماعی باید هویتی داشته باشند که آنها را منحصر به فرد و قابل شناسایی کند، همچنین اهداف باید صریح و روشن باشند (McCarthy & Zald, 1973; Snow, Soule, & Kriesi, 2004; Tilly & Wood, 2015). طبق استدلال روماننا، عنصر هک، که در اکثر فعالیت‌های رخنه‌کنشگری حضور دارد منجر به شکل‌گیری یک ایدئولوژی، توسعه مجموعه خاصی از ارزش‌ها و یک رویکرد ذهنی تجسم یافته در ذهنیت هکرها شده است (Romagna, 2019: 747). در کنار این ایدئولوژی مشترک، هکتیویسم یک مرکز قابل شناسایی ندارد. کسانی که به عنوان هکتیویست شناسایی می‌شوند، از مسائل سیاسی جهانی آگاهی دارند؛ توسط رویدادهای خاص به زندگی تحریک می‌شوند؛ آنها درگیر انعکاس خود هستند و به شبکه‌های تعاملی از ارتباط تکیه دارند (Farmer, 2022: 68). محقق دیگری نیز معتقد است هکتیویسم یک جنبش اجتماعی است که در آن هکتیویست‌ها گفتمان مشترکی دارند، خارج از سیاست نهادینه شده زندگی می‌کنند و روشی مشابه اشکال آفلاین کنش جمعی برای پاسخگویی یافته‌اند (Samuel, 2001: 8). الکسوپولو و

پاولی (2021: 240)، مدعی هستند که دیدگاه های سیاسی برای انجام فعالیت در دنیای مجازی، برانگیزاننده ی هکتیویسم هستند.

هکتیویست ها به انکار ابزارهای رسانه ای سنتی نیز پرداخته اند، این عدم پذیرش متضمن این نکته است که آنها، رسانه های سنتی را بخشی از نظامی می دانند که با آن مخالفت می کنند. رسانه های سنتی اغلب به دلیل عدم شفافیت و جانبداری در گزارش اخبار مورد انتقاد قرار می گیرند. هکتیویست ها بر این باورند که رسانه های سنتی ممکن است تصویر کاملی را ارائه ندهند یا برنامه های پنهانی داشته باشند. بعلاوه از آنجا که بسیاری از رسانه های سنتی متعلق به شرکت های بزرگ هستند یا مالکیت خاص دارند ممکن است در محتوای اخبار و دستور کار تحت تأثیر منافع مالکان باشند. همچنین هکتیویست ها استدلال می کنند رسانه های سنتی ممکن است دست به خودسانسوری بزنند یا تحت فشارهای خارجی برای محدود کردن انواع خاصی از اطلاعات یا دیدگاه ها قرار بگیرند. موضوعی که آزادی بیان را از بین می برد و مانع از پرداختن به مسائل مهم می شود. رخنه کنشگران به تمرکززدایی قدرت و اطلاعات باور داشته و معتقدند رسانه های سنتی جریان اطلاعات به مردم را کنترل می کنند به همین دلیل رسانه های سنتی را به نفع پلتفرم ها یا روش های ارتباطی جایگزین رد می کنند و آن را عنوان ابزاری برای به چالش کشیدن وضعیت موجود و حمایت از اشکال بازتر، شفاف تر و غیرمتمرکز تر از ارتباطات و اشتراک گذاری اطلاعات به رسمیت نمی شناسند (sharevski & Kessell, 2023).

علاوه بر این، نظریه جنبش های اجتماعی جدید بر اهمیت جنبه های فرهنگی و نمادین در جنبش های اجتماعی تأکید می کند که می توان آن را در هکتیویسم نیز مشاهده کرد. رخنه کنشگران اغلب از هک به عنوان نوعی اعتراض نمادین یا اقدام مستقیم برای به چالش کشیدن ساختارهای قدرت یا افزایش آگاهی در مورد مسائل اجتماعی استفاده می کنند. اقدامات آنها فقط برای ایجاد اختلال نیست، بلکه برای ارسال پیام و ایجاد تأثیر فرهنگی است. با هدف قرار دادن وبسایت ها یا سازمان های پرمخاطب، هکتیویست ها می توانند توجه را به مسائل اجتماعی، سیاسی یا زیست محیطی جلب کنند و از طریق اقدامات خود اظهار نظر کنند.

ماهیت نمادین هکتیویسم در توانایی آن برای به چالش کشیدن وضعیت موجود و رویارویی با نهادهای قدرتمند در فضای دیجیتال نهفته است. هکتیویست ها با استفاده از مهارت های فنی خود برای برهم زدن عملیات عادی یا افشای آسیب پذیری ها، می توانند به طور نمادین قدرت را به چالش بکشند، مشروعیت موسسات را زیر سوال ببرند و خواستار تغییر شوند. از این نظر، هکتیویسم را می توان نوعی اعتراض نمادین دانست که هدف آن برانگیختن واکنش، جرعه زدن بحث و برانگیختن دیگران برای اقدام است. در حالی که مشروعیت و اخلاق هکتیویسم اغلب مورد بحث است، تأثیر نمادین آن بر گفتمان عمومی و کنشگری قابل انکار نیست.

به طور کلی، NSM می تواند با برجسته کردن نقش هویت، فرهنگ و کنش جمعی در شکل دهی به اشکال جدید کنش گرایی، بینشی در مورد پویایی هکتیویسم، انگیزه ها، استراتژی ها و تأثیرات جنبش های هکتیویستی در عصر دیجیتال ارائه کند.

در نهایت می توان گفت رخنه کنشگری، جنبش اجتماعی متمایزی است که تخصص فنی، تاکتیک های مخرب و ارزش های مشترک را برای تعقیب و تحقق اهداف خاص سیاسی اجتماعی ترکیب می کند. هکتیویسم به عنوان یک جنبش اجتماعی، منعکس کننده تغییرات فرهنگی و اجتماعی به سمت اشکال دیجیتالی و با واسطه از کنشگری است و ظرفیت تحول آفرین فناوری را برای جریان سازی برجسته می کند.

نظریات دیگری مثل جامعه شبکه ای<sup>۱</sup> و نظریه انتقادی<sup>۲</sup> نیز در مطالعه هکتیویسم قابل استفاده هستند. نظریه جامعه شبکه ای به بررسی نقش فناوری ها و شبکه های دیجیتال در شکل دادن به جامعه مدرن می پردازد. این نظریه می تواند بینش هایی درباره نحوه عملکرد گروه های هکتیویست در حوزه دیجیتال، ایجاد شبکه ها و بسیج حامیان در سراسر مرزهای جغرافیایی ارائه دهد.

نظریه انتقادی می تواند با بررسی پویایی های قدرت، نابرابری ها و تأثیر کنش گرایی دیجیتال بر ساختارهای اجتماعی، تحلیلی انتقادی از هکتیویسم ارائه دهد. نظریه انتقادی فرصتی برای کشف روابط قدرت و بی عدالتی های ساختاری که هکتیویست ها از طریق اقدامات خود به دنبال آن هستند، کمک کند.

1. Networked Society
2. Critical Theory

### ۳. بستر وقوع هکتیویسم، اقتدارگرایی یا دموکراسی؟

هکتیویسم ممکن است در طیف وسیعی از جوامع رخ دهد، جوامع دموکراتیک و نیز جوامعی با ساختارهای غیر دموکراتیک و اقتدارگرا، هدف اقدامات هکتیویسم بوده و آن را تجربه کرده‌اند. در واقع زمینه‌ها و شرایط خاصی که به وقوع آن کمک می‌کند، بر ظهور هکتیویسم مؤثرند و این شرایط ممکن است به درجات متفاوت در کشورهای مختلف وجود داشته باشد. عواملی مانند آزادی‌های سیاسی، زیرساخت‌های فناوری، جنبش‌های اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی، همگی در شکل دادن به چشم انداز هکتیویسم در جوامع مختلف نقش دارند.

جوامعی با سطح بالای سواد دیجیتال، ضریب نفوذ اینترنت و جمعیت‌های آگاه به فناوری، بیشتر شاهد افزایش هکتیویسم هستند. افراد با مهارت‌های فنی و دانش امنیت سایبری ممکن است تمایل بیشتری به شرکت در اقدامات هکتیویستی برای پیشبرد اهداف سیاسی یا اجتماعی خود داشته باشند. جوامع آگاه از نظر اجتماعی و فعال به لحاظ سیاسی که درگیر مسائل عدالت اجتماعی هستند، اغلب زمینه مناسبی برای هکتیویسم هستند. هکتیویست‌ها در این جوامع ممکن است با احساس مسئولیت اجتماعی، تمایل به تغییر و تعهد و انگیزه برای به چالش کشیدن بی‌عدالتی داشته باشند.

برای مثال، در سال ۲۰۱۳، گروه‌های هکری وب سایت‌های اسرائیلی را در یک کمپین هماهنگ سایبری موسوم به OpIsrael هدف قرار دادند. مقصود این حملات، که به گروه‌هایی مانند انانیموس و ارتش الکترونیک سوریه نسبت داده می‌شود، اعتراض به سیاست‌های دولت جعلی اسرائیل و نشان دادن همبستگی با فلسطینی‌ها بود. این حملات شامل تخریب وب سایت، حملات DDoS، و نقض داده‌ها بود که علیه دولت و موسسات مالی اسرائیل انجام گرفت.

جوامع دموکراتیک که در آن آزادی بیان، دسترسی به اطلاعات و حقوق دیجیتال ارزشمند هستند و از سوی دیگر از فرهنگ سیاسی مشارکتی در سطح نسبتاً مطلوبی قرار دارند، می‌توانند بستری برای فعالیت هکتیویست‌ها باشند. در این زمینه‌ها، رخنه‌کنشگران ممکن است از فناوری برای پاسخگویی دولت‌ها و نهادها، ترویج شفافیت و دفاع از آزادی‌های مدنی استفاده کنند (Gorham, 2015; Fitri, 2011).

در رژیم های استبدادی و اقتدارگرا با آزادی های سیاسی و سانسور محدود، هکتیویسم ممکن است ابزاری برای مخالفت و مقاومت در برابر حکومت های سرکوبگر باشد. رخنه-کنشگران در این نظام ها برای دور زدن نظارت آنلاین، افشای نقض حقوق بشر و به چالش کشیدن کنترل دولت بر اطلاعات تلاش می کنند. بنابراین می توان گفت این رژیم ها، در مقایسه با رژیم های دموکراتیک به احتمال زیاد تقویت کننده رخنه کنشگری باشند. آزادی بیان محدود، دسترسی محدود به اطلاعات، و فقدان کانال های مخالفت و اعتراض مسالمت آمیز، در چنین ساختارهایی، افراد یا گروه ها را به سمت به هکتیویسم به عنوان ابزاری برای مقاومت، راهی برای دور زدن سانسور و نظارت، به چالش کشیدن دولت های سرکوبگر، افشای فساد و ترویج تغییر هدایت می کند. با استفاده از تکنیک های هک برای مختل کردن عملیات دولتی یا افشای اطلاعات حساس، هکتیویست ها می توانند به نقض حقوق بشر، فساد دولتی و سایر بی عدالتی هایی که ممکن است از دید عموم پنهان باشد، نوری بتابانند.

از سوی دیگر، در رژیم های دموکراتیک که راه های بیشتری برای آزادی بیان، اعتراض مسالمت آمیز و مشارکت سیاسی وجود دارد، هکتیویسم ممکن است کمتر ضروری یا کمتر رایج باشد. رژیم های دموکراتیک معمولاً کانال هایی را برای شهروندان فراهم می کنند تا ناراضی خود را ابراز کنند، از تغییر حمایت کنند و دولت ها را از طریق ابزارهای قانونی و سیاسی پاسخگو بدانند. رژیم های دموکراتیک می توانند سواد دیجیتالی را ارتقاء دهند، آگاهی را در مورد خطرات امنیت سایبری افزایش داده و به مردم در مورد پیامدهای هکتیویسم آموزش دهند. با توانمندسازی افراد دارای دانش و مهارت برای هدایت مسئولانه در چشم انداز دیجیتال، رژیم ها، آسیب پذیری ها را در برابر فعالیت های هکتیویستی کاهش دهند.

چنانچه رژیم های دموکراتیک بین نیاز به امنیت و حمایت از آزادی های مدنی، از جمله آزادی بیان، حقوق حریم خصوصی و روند قانونی تعادل برقرار کنند می تواند با حمایت از حقوق و آزادی های اساسی، محیطی ایجاد کنند که به حاکمیت قانون و اصول دموکراتیک احترام بگذارد. اگر شهروندان کانال های قانونی برای ابراز ناراضی یا شرکت در فرآیندهای تصمیم گیری داشته نسبت به پاسخگویی نهادهای دموکراتیک به نیازهای خود اطمینان یابند، جدابیت هکتیویسم به عنوان وسیله ای برای اعتراض کاهش خواهد یافت.

البته گاهی نیز ممکن است هکتیویسم به تقویت فرآیندهای دموکراتیک و پرورش فرهنگ شفافیت، مسئولیت پذیری و مشارکت مدنی از طرق مختلف کمک کند:

- \* آشکار ساختن رفتار نادرست یا سوء استفاده از قدرت و افزایش شمار شهروندان آگاه و ارتقای شفافیت در عملکردهای دولتی و شرکتی
- \* حمایت از عدالت اجتماعی و حقوق بشر با تقویت صداهایی که نادیده گرفته یا سرکوب می شوند و توسعه پشتیبانی از حقوق و کرامت همه
- \* نوآوری تکنولوژیکی و آگاهی از امنیت، هکتیویسم می تواند با افشای آسیب پذیری ها، برجسته کردن خطرات امنیت سایبری و حمایت از اقدامات حفاظتی قوی تر و نوآوری های تکنولوژیکی، آگاهی از امنیت سایبری و انعطاف پذیری دیجیتال را به پیش ببرد. با آزمایش سیستم ها، افزایش آگاهی در مورد تهدیدات امنیت سایبری و ترویج بهترین شیوه ها، هکتیویسم می تواند به یک اکوسیستم دیجیتالی امن تر و انعطاف پذیر کمک کند (Mattioli and Malatras, 2023).

در مجموع باید گفت در حالی که هکتیویسم می تواند نقش سازنده ای در ترویج ارزش های دموکراتیک و تقویت تغییرات اجتماعی ایفا کند، ضروری است که منافع بالقوه را با ملاحظات اخلاقی، مرزهای قانونی و خطرات احتمالی درگیر شدن در فعالیت های غیرقانونی یا مضر متعادل سازد. هکتیویسم مسئولانه باید روش های غیرخشونت آمیز را در اولویت قرار دهد، به اصول حقوق بشر احترام بگذارد و به هنجارهای اخلاقی پایبند باشد تا تأثیر مثبت آن بر فرآیندها و فرهنگ دموکراتیک به حداکثر رسد. برای رژیم های دموکراتیک نیز مهم است که با درک دقیق انگیزه ها، نارضایتی ها و پویایی هایی که این جنبش ها را هدایت می کنند، به هکتیویسم نزدیک شوند. با پرداختن به علل ریشه ای، ترویج گفت و گو و حمایت از ارزش های دموکراتیک، رژیم ها می توانند در جهت کاهش جدایی هکتیویسم و پرورش جامعه فراگیرتر و مشارکت کننده تر تلاش کنند.

به همین صورت ممکن است هکتیویسم اسباب تقویت رژیم های اقتدارگرا را نیز فراهم سازد: رژیم های استبدادی ممکن است از فعالیت های هکتیویستی به عنوان بهانه ای برای توجیه اقدامات سرکوبگرانه، سرکوب آزادی های مدنی و افزایش نظارت استفاده کنند. در پاسخ به تهدیدات درک شده از سوی گروه های هکریست، دولت ها ممکن است قوانین یا سیاست هایی را وضع کنند که آزادی های آنلاین را محدود می کند، صداهای مخالف را سانسور می کند و

حقوق حریم خصوصی را به نام امنیت ملی یا نظم عمومی تضعیف می‌کند. افزون بر این رژیم‌های اقتدارگرا حملات هکتیویستی را به عنوان توجیهی برای تقویت قابلیت‌های امنیت سایبری خود، افزایش کنترل دولت بر اینترنت و توجیه اقدامات نظارتی سرزده، به کار می‌برند. آنها با در نظر گرفتن هکتیویسم به عنوان یک تهدید سایبری، قدرت‌های نظارتی خود را گسترش دهند، محتوای آنلاین را سانسور کنند و ارتباطات دیجیتال را برای سرکوب مخالفان و حفظ کنترل سیاسی در نظارتی مضاعف قرار می‌دهند. با محدود کردن دسترسی به اینترنت، دولت‌ها می‌توانند جریان اطلاعات را کنترل و مخالفت‌ها را محدود کنند، هماهنگی میان فعالان را کاهش داده و در نتیجه تقویت حکومت استبدادی و مسدودسازی مشارکت دموکراتیک را رقم بزنند.

رژیم‌های خودکامه ممکن است در عملیات‌های پرچم دروغین یا فعالیت‌های مخفی شرکت کنند تا حملات هکتیویستی را به بازیگران خارجی، گروه‌های مخالف یا دولت‌های خارجی به عنوان بهانه‌ای برای تشدید تنش‌ها، توجیه اقدامات نظامی یا سرکوب آنها نسبت دهند. فعالیت‌های هکتیویستی که سازمان‌های جامعه مدنی، مدافعان حقوق بشر یا رسانه‌های مستقل را هدف قرار می‌دهند، می‌توانند انعطاف‌پذیری نهادهای دموکراتیک را تضعیف کنند، کنترل‌ها و تعادل‌ها را تضعیف کنند و اعتماد عمومی به فرآیندهای دموکراتیک را از بین ببرند. با ایجاد اختلال در کار گروه‌های جامعه مدنی یا خاموش کردن صداهای مخالف، هکتیویسم می‌تواند فضایی از ترس، خودسانسوری و سرکوب سیاسی به وجود آورد که رژیم‌های خودکامه را قدرتمند و ارزش‌های دموکراتیک را تضعیف می‌کند.

در مجموع می‌توان چنین گفت که اگر چه هکتیویسم می‌تواند هم در رژیم‌های اقتدارگرا و هم در رژیم‌های دموکراتیک رخ دهد، اما به احتمال زیاد در زمینه‌های اقتدارگرایانه که اشکال سنتی مخالفت محدود یا سرکوب می‌شوند، بستر پرورش و رخداد هکتیویسم مساعدتر به نظر می‌رسد.

### نتیجه‌گیری

هکتیویسم را می‌توان نوعی اعتراض سیاسی دانست که از ابزارهای تکنولوژیک برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کند و مانند دیگر اشکال اعتراض، به دنبال جلب توجه به مسائل اجتماعی و سیاسی، به چالش کشیدن ساختارهای قدرت و ایجاد تغییر است. با این حال، رخنه

کنشگران به جای استفاده از تاکتیک های فیزیکی مانند راهپیمایی، تحصن یا اعتصاب، از تکنیک های دیجیتال مانند تخریب وب سایت، حملات انکار سرویس، نقض داده ها و نشت اطلاعات استفاده می کنند که به درجه خاصی از تخصص فنی نیاز دارد، زیرا شامل نفوذ به سیستم های امن و دستکاری کدهاست.

گروه های هکتیویست تمایل به غیرمتمرکز بودن و سازماندهی آزاد دارند و اعضا از طریق کانال های آنلاین مانند چت روم ها، انجمن ها و رسانه های اجتماعی با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند و هماهنگ می شوند. این ساختار به هکتیویست ها اجازه می دهد تا به طور مستقل و ناشناس فعالیت کنند و خطر شناسایی و پیگرد قانونی را کاهش دهند. اعتقادات و اصول ایدئولوژیکی چون آزادی بیان، شفافیت، عدالت اجتماعی و ضدیت با سانسور، انگیزه کنش هکتیویسم را شکل می دهد.

کنش های هکتیویستی اغلب ماهیت نمادین دارند و به جای ایجاد آسیب قابل توجه، برای ارسال پیام یا تحریک واکنش طراحی شده اند. به عنوان مثال، هکتیویست ها ممکن است یک لوگوی شرکتی را با یک تصویر یا شعار جایگزین جایگزین کنند یا به طور موقت یک وب سایت را برای جلب توجه به یک موضوع خاص غیرفعال کنند. هکتیویسم در یک منطقه خاکستری قانونی عمل می کند، زیرا بسیاری از تاکتیک های به کار گرفته شده بر اساس قوانین موجود غیرقانونی هستند. این ابهام چالش هایی را برای سازمان های مجری قانون و همچنین برای کسانی که به دنبال تمایز بین اعتراض سیاسی مشروع و فعالیت مجرمانه هستند ایجاد می کند.

پژوهشگران در میان پدیده های سیاسی اجتماعی، هکتیویسم را نوعی نافرمانی مدنی دیجیتال یا شکلی از جنبش های اجتماعی دانسته و با نظریات مختلف به تبیین آن پرداخته اند. ماهیت ترکیبی رخنه کنشگری با آمیزه ای از فناوری، رویکرد چالشی و مبارزه جویانه، کنش نمادین و در عین حال ناشناس و حرفه ای، به چهارچوب های نظری سیاسی، جامعه شناختی، ارتباطی و روانشناختی در تبیین این پدیده پویایی خاصی داده است. ساختارهای سنتی قدرت از سوی هکتیویسم به چالش کشیده شده و سوالاتی درباره اینکه در دوران حاضر، چه کسی بیشتر قدرت تاثیرگذاری را بر فرایندهای سیاسی دارد، ایجاد کرده است. جامعه شناسان سیاسی چگونگی

بسیج و سازماندهی گروه های هکتیویست و همچنین نحوه تعامل آنها با سایر جنبش های اجتماعی و بازیگران سیاسی را مطالعه می کنند.

هکتیویسم مرزهای بین تکنولوژی و سیاست را کم رنگ کرده و راه هایی را که ابزارهای دیجیتال می توانند برای اهداف سیاسی استفاده شوند برجسته می کند. هکتیویسم با ارائه شکل جدیدی از فعالیت سیاسی که اغلب ناشناس و غیرمتمرکز است، مفاهیم سنتی رفتار و مشارکت سیاسی را به چالش می کشد. دانشمندان علوم سیاسی چگونگی تأثیر هکتیویسم بر تعامل سیاسی، افکار عمومی و رفتار رأی دادن را تجزیه و تحلیل می کنند. پرسش هایی نظیر اینکه چگونه فناوری مشارکت سیاسی، کنشگری و حکومت را در عصر دیجیتال شکل می دهد؟ چگونه اقدامات هکتیویستی توسط مردم درک می شود؟ چگونه توسط رسانه ها چارچوب بندی می شوند و چگونه توسط دولت ها و سیستم های قانونی تنظیم می شوند، چالش های تازه ای هستند که دانش جامعه شناسی سیاسی، یا پژوهشگران علوم سیاسی با آن روبه رو هستند.

رخنه کنشگری همچنین سوالات مهمی را در مورد امنیت سایبری و توانایی دولت ها برای محافظت از زیرساخت های دیجیتالی خود ایجاد کرده است. همچنین با توجه به اینکه گروه های هکتیویست می توانند دولت ها، شرکت ها یا سایر نهادها را در سراسر مرزهای ملی هدف قرار دهند، پیامدهایی برای روابط بین الملل و علوم سیاسی به همراه داشته است، اینکه چگونه اقدامات هکتیویستی بر روابط دیپلماتیک، همکاری امنیت سایبری و هنجارهای بین المللی مربوط به جنگ سایبری تأثیر می گذارد.

از آنجا که هکتیویسم پدیده ای در حال تکامل است، پیش بینی آینده آن مستلزم در نظر داشتن عوامل مختلف فنی، قانونی، فرهنگی و سیاسی است با وجود این سناریوهای احتمالی در برابر آن می تواند به شکل زیر باشد:

افزایش مقررات و سرکوب: با تلاش کشورها و دولت ها برای افزایش امنیت سایبری خود، ممکن است افزایش متناظری در مقررات و سرکوب فعالیت های هکتیویستی وجود داشته باشد. البته این می تواند منجر به استفاده از تاکتیک های پیچیده تری توسط هکتیویست ها برای فرار از شناسایی شود.

تغییر به سمت پلتفرم های غیر سنتی: با هوشیاری بیشتر پلتفرم های رسانه های اجتماعی و وب سایت های اصلی در نظارت و حذف محتوای هکتیویستی، ممکن است شاهد تغییر به سمت پلتفرم های غیرمتمرکزتر و غیرسنتی برای سازماندهی و اجرای هکتیویسم باشیم.

همکاری و جهانی شدن: گروه های هکتیویست ممکن است به طور فزاینده ای در فراسوی مرزها و ایدئولوژی ها همکاری کنند تا تأثیر خود را تقویت کنند. این می تواند منجر به حملات سایبری هماهنگ تر و گسترده تر با هدف قرار دادن نهادهای چند ملیتی شود.

تمرکز بر مسائل اجتماعی: هکتیویسم ممکن است به طور فزاینده ای بر موضوعات عدالت اجتماعی مانند حقوق بشر، حفاظت از محیط زیست و آزادی سیاسی تمرکز کند. این می تواند منجر به انتخاب طیف متنوع تری از اهداف توسط گروه های هکتیویست شود.

ادغام هوش مصنوعی و یادگیری ماشین: هکتیویست ها ممکن است از فناوری های هوش مصنوعی و یادگیری ماشینی برای افزایش قابلیت های خود در انجام حملات سایبری، فرار از شناسایی و خودکارسازی برخی از جنبه های عملیات خود استفاده کنند.

به طور کلی، آینده هکتیویسم مشخص نیست اما روشن است که این شکل از کنشگری دیجیتال تاثیر قابل توجهی بر جهان خواهد داشت. هکتیویسم با پیشرفت در فناوری، تغییرات در محیط های نظارتی و چشم انداز اجتماعی سیاسی در حال تحول به پیش خواهد رفت، و این ویژگی، مطالعه هکتیویسم را برای شناخت چگونگی انطباق آن با چالش های آتی و رویارویی با آنها، جذاب و سودمند می کند.

## فهرست منابع

- انصاری مهباری، علیرضا؛ حسینی، زهرا سادات(۱۴۰۱). حملات سایبری در پرتو توسل به زور از نگاه حقوق بین الملل، مطالعات حقوقی فضای مجازی، (۲)۱، ۱۸-۲۶.
- تقی پور، رضا؛ ملک، مهرباب(۱۴۰۰). ارائه مدل مفهومی تحلیل امنیت در فضای سایبر ملی کشورها، مطالعات راهبردی فضای سایبر، (۱)۱، ۶۲-۱۰۲
- تیلی، چارلز(۱۳۸۹). جنبش‌های اجتماعی(۱۷۶۸-۲۰۰۴)، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- حسینی، محمدرضا؛ جداری سلامی، محمد(۱۴۰۰). بررسی آثار تهدیدها و حملات سایبری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات راهبردی فضای سایبر، (۱)۱، ۷-۲۸.
- رهبری، مهدی(۱۳۹۳). جنبش‌های اجتماعی: کلاسیک، مدرن، پست مدرن، تهران: کویر.
- ضیایی، سید یاسر؛ خلیل زاده، مونا(۱۳۹۲). مسئولیت بین‌المللی دولت ناشی از حملات سایبری، پژوهش‌های حقوقی، ۱۲(۲۳)، ۸۷-۱۲۲.
- فرشاسعید، پرویز؛ جلالی، محمود(۱۴۰۱). مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال حملات سایبری عوامل غیردولتی، حقوق فناوری‌های نوین، (۶)۳، ۱۷۳-۱۸۴.
- نش، کیت(۱۳۹۴). جامعه شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن سیاست و قدرت، ترجمه محمد تقی دلفروز، چ ۱۳، تهران: کویر.
- Aydelia Gareeva, Kira Krylova; Olga Khovrina (2020) Hacktivism: a new form of political activism, *Journal of Society and the State*, N 2(7), School of Governance and Politics, MGIMO, Russia.
- Burkart, Pateick; Tom Mc Court(2019), *Why Hackers Win Power and Disruption in the Network Society*, University of California Press Oakland, California.
- Castells, M (2012). *Networks of outrage and hope – social movements in the Internet age* Chichester, Wiley.
- Farmer, Francesca(2022), *Cybercrime vs Hacktivism: Do we need a differentiated regulatory approach?* University of Exeter, UK.
- Fitri, Nofia (2011), Democracy Discourses through the Internet Communication: Understanding the Hacktivism for the Global Changing, *Online Journal of Communication and Media Technologies*, V: 1 – Issue: 2.
- Gorham, Ashley(2015), Does Information Want to Be Free? Hacktivism and the Democratization of Information, *The Journal of International Relations, Peace Studies, and Development*: Vol. 1: Issue. 1, pp 1-20.

- Hampson, Noah(2012), Hacktivism: A New Breed of Protest in a Networked World, Boston College, *International and Comparative Law Review*, Vol. 35, No. 6.
- Herawati, Augustin Rina, Aufarul Marom, Nia Widowati( 2021), Digital Activism, A New Way of Social Movement in the Digitalization Era, *JOURNAL OF DIGITAL SOCIAL RESEARCH*, VOL. 3, NO. 3, Italy.
- Jordan, Tim(2007), Online Direct Action: Hacktivism and Radical Democracy, in *Radical Democracy and the Internet*, edited by Lincoln Dahlberg and Eugenia Siapera, Palgrave, Great Britain.
- Karagiannopoulos, V. (2020). A short history of hacktivism: its past and present and what can we learn from it. In: Owen, T and Marshall, J (Eds) *Rethinking Cybercrime: Critical Debates*. Palgrave Macmillan, Switzerland.
- Knight, William(2016), *Can Hacktivism be Understood as the Performance of Collective Digital Identity?* Institute for Science and Society, Uk.
- Levy, S. (1984) *Hackers: Heroes of the Computer Revolution*, Dell Publishing, New York.
- Mattioli, Rossella and Apostolos Malatras( 2023), *Identifying emerging cyber security threats and challenges for 2023*, European Union Agency for Cybersecurity (ENISA).
- Romagna, M. (2019). Hacktivism: Conceptualization, Techniques, and Historical View. In: T. J.
- Holt, A. M. Bossler (Eds.), *The Palgrave Handbook of International Cybercrime and Cyber deviance*. 743-769.
- Samuel, Alexandra Whitney(2004), *Hacktivism and the Future of Political Participation*, Harvard University Cambridge, Massachusetts.
- Sauter Molly(2014), *The Coming Swarm, DDoS Action, Hacktivism, and Civil Disobedience on the Internet*, ( Bloomsbury Academic)27.
- Shareski, Filipo and Benjamin Kessell(2023), *Fight Fire with Fire: Hacktivists' Take on Social Media Misinformation*, Nineteenth Symposium on Usable Privacy and Security, Anaheim, CA, USA.
- Sorell, Tom(2015), Human Rights and Hacktivism: The Cases of Wikileaks and Anonymous, *Journal of Human Rights Practice*, Vol. 0, N.0, pp1-20.
- Turkle, S. (1984) *The Second Self: Computers and the Human Spirit*, MIT University Press, Cambridge (20th Anniversary Edition).
- Vegh S. (2003) *Hacking for Democracy: A Study of the Internet as a Political Force and Its Representation in the Mainstream Media*, American Studies. Maryland, College Park: University of Maryland, College Park.

- Wesch, M. (2012). Anonymous, Anonymity, and the End(s) of Identity and Groups Online: Lessons from the “First Internet-Based Superconsciousness”, in *Human No More: Digital Subjectivities, Unhuman Subjects, and the End of Anthropology*, eds by Neil L. Whitehead, Michael Wesch, University Press of Colorado, 89–104. <https://doi.org/10.5876/9781607321705.c05>.
- William E. Scheuerman (2018), *Civil Disobedience*, Polity Press, UK.
- Zuger, Theresa (2021), *Coding Resistance: Digital Strategies of Civil Disobedience*, in *The Cambridge Companion to CIVIL DISOBEDIENCE*, Edited by William E. Scheuerman, Cambridge University Press.